

سوژه، گفتمان و علوم انسانی

مهران صولتی



نشریات

سرشناسه	: صولتی، مهران، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: سوژه، گفتمان و علوم انسانی / مهران صولتی.
مشخصات نشر	: تهران: دات، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۴۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۵۷.
موضوع	: قدرت (علوم اجتماعی)
موضوع	: استیلا (روانشناسی)
موضوع	: گفتمان — جنبه‌های اجتماعی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ص ۹ س ۹/۹ JC
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۳/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۶۸۴۴۹



نشر دات

سوژه، گفتمان و علوم انسانی

نویسنده: مهران صولتی
 نوبت چاپ: ۱۳۹۲
 شمارگان: ۱۰۰

چاپ و صحافی بهمن

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۴۳-۹

تلفکس انتشارات: ۶۶۴۸۳۰۷۴

<http://www.dotbook.ir>

Email: info@dotbook.ir

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۹۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: سرگذشت «سوژه» در جامعه‌شناسی
۲۶	بطه‌ی ملیت و ساختار (از تضاد تا تلفیق)
۲۶	نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز
۲۸	نظریه‌ی سیستم‌های ذهنی و زمینه‌ی بوردیو
۳۴	نقش موضوع در نقش‌های کنش
۳۶	موقعیت ماه
۳۶	موقعیت بحث‌انگیز
۳۷	گفتمان به منزله‌ی سپهر تراگیک
۳۸	گفتمان پیشامدرن
۳۸	گفتمان مدرن
۳۹	گفتمان پسامدرن
۴۸	کشاکش فرد و گفتمان در عرصه‌ی جهان اجتماعی
۴۹	گفتمان همسان‌گرا
۴۹	گفتمان تکثرگرا
۵۷	فصل دوم: گفتمان‌های علوم انسانی
	دکارت و دغدغه‌ی سوژه‌ی «رها»
۶۱	کانت و دغدغه‌ی «رهایی» سوژه
۶۱	گفتمان‌های سازنده‌ی علوم انسانی
۶۶	معنای گفتمان
۶۸	۱- گفتمان اصالت جهان
۷۲	۲- گفتمان اصالت انسان
۷۶	۳- گفتمان اصالت عقل

۸۳	فصل سوم : پدیدارشناسی سلطه
۸۷	چگونه قدرت به سلطه تبدیل می شود؟
۹۱	۱- دین
۹۲	الف: تفاوت میان امر مقدس و غیرمقدس
۹۲	ب: تفاوت میان خداوند و بنده
۹۳	ج: تفاوت میان مؤمن و کافر
۹۴	۲- ایدئولوژی
۹۵	الف: مفسران ایدئولوژی و مقلدان ایدئولوژی
	ب: رسمیت یافتن تصویری که مخاطبان از واقعیت
۹۶	اجتماعی عرضه می کنند
۹۷	رابطه مفسر معتقدان و منکران ایدئولوژی
۹۸	دولت (نظم سیاسی)
۱۰۰	۳- اقتصاد
۱۰۱	۳- آشنایی و غفلت
۱۰۳	۴- رسانه ها
۱۱۱	فصل چهارم : «سوژه» و «مکانیسم های سلطه»
۱۱۱	از موقعیت تا تفسیر
۱۱۲	مکانیسم های توهم - گریز
۱۱۳	مکانیسم های توهم
۱۱۶	مکانیسم های گریز
۱۲۰	فرایند سلطه و استراتژی های غفلت
۱۲۱	الف) استراتژی «آشنا» تلقی کردن
۱۲۱	۱- طبیعی تلقی کردن موضوع شناخت
۱۲۱	۲- دائمی تلقی کردن موضوع شناخت
۱۲۱	۳- عادی و فراگیر تلقی کردن موضوع شناخت
۱۲۴	ب) استراتژی اولویت بخشی
۱۲۴	۱- اولویت مصالح و منافع عمومی
۱۲۵	۲- تأمین رفاه و امنیت
۱۲۶	۳- آرامش فکری

۱۲۷	ج) استراتژی‌های «ساده‌سازی»
۱۲۷	۱- ایدئولوژی
۱۲۸	۲- رسانه‌های توده‌ای
۱۳۰	۳- علوم اجتماعی
۱۳۱	فصل پنجم: از زبان سلطه تا سلطه‌ی زبان
۱۳۱	بازتولید سلطه توسط نظام‌های اجتماعی مدرن
۱۳۷	سلطه‌ی زبان
۱۴۰	زبان و قدرت
۱۴۰	تولید زبان و قدرت در پس زبان
۱۴۷	زبان و سیاست
۱۴۹	معماری لیبرال دموکراسی
۱۵۱	نظم‌های کمونیستی
۱۵۲	نظم معنایی اسلام سیاسی
۱۵۴	نظم معنایی بنیادگرایی
۱۵۶	نتیجه‌گیری
۱۵۹	فهرست منابع

فهرست جداول

۳۸	جدول ۱-۱
۳۸	جدول ۲-۱
۳۹	جدول ۳-۱
۸۰	جدول ۴-۱
۸۱	جدول ۵-۱
۱۱۳	جدول ۶-۱
۱۱۶	جدول ۷-۱

فهرست نمودارها

۴۹	نمودار ۱-۱
۱۳۲	نمودار ۵-۱

مقدمه

با گذار آدمیان از بدویت به مدنیت، نه تنها پیچیدگی‌های زیست اجتماعی افزایش یافت بلکه قیدوبندهای بیشتری بر دست و پای او نهاده شد. در دوره‌ای طولانی از زندگی اجتماعی، سنت متکی بر حاکمیت و تمامیت زندگی انسان‌ها را تسخیر و جهت‌گیری، روابط، مضامین و تکالیف حیات اجتماعی او را تعیین می‌کرد. زیستن در چنین فضایی، مایه‌ای که کش انسان‌ها را محدود و آنان را اسیر روابط مبتنی بر آداب و رسد بین‌های قومی - مذهبی و سنت‌های اجتماعی می‌ساخت. اما با ورود آری عصر مدرن و خروج وی از صغارت خویش به تعبیر رسای اندیشه‌دورانی و حاکمیت فردیت به جای جماعت آغاز شد. با فروپاشی این مبنی بر اصالت سنت‌های اجتماعی - مذهبی، آدمی جرئت اندیشیدن به تابوهای تاریخی و جسارت ایجاد تغییر در ماهیت زیست اجتماعی خود را کسب کرد و فصلی نوین را در تاریخ بشریت رقم زد. دوران که پیدبخش رهایی انسان از سیطره‌ی قید و بندهای مذهبی، تاریخی و انتقال پیشین بود. دیگر قرار نبود آدمی مقهور طبیعت، تاریخ، مذهب و رسوم‌های اجتماعی باشد بلکه بنا بود که انسان در مقام معمار و سوداگر خویش، جسارت ساخت بخشیدن به شخصیت خود و بی‌نیازی از تأثیرات سلطه‌آفرین متغیرهای بیرونی را به دست آورده باشد. اما و هر سال تجربه‌ی عصر پسا روشنگری نشان داد که این تصویر تا چه حد خوش‌بینانه بوده است. انسان مدرن رها شده از جبرهای سخت‌افزاری که به واقع مسیر شکوفایی استعدادهای او را مسدود کرده بود، در کمند نرم‌افزاری گرفتار آمد که بیش از هر چیز محصول غلبه‌ی

عقلانیت صوری بر عقلانیت ذاتی بود. آرمان‌های رفیع عصر روشنگری همچون آزادی، خردگرایی و حقوق بشر در چنبره‌ی جبر تکنولوژیک، توسعه‌ی تک‌خطی و پیشرفت کمی گرفتار آمد و سلطه‌ی پیچیده، پنهان و ناملموس عصر مدرن را رقم زد. پدیده‌ای که برخلاف دوران پیشامدرن، مبتنی بر توافق حداکثری دو سویه‌ی سلطه‌گر - سلطه‌پذیر در پذیرش و تداوم آن بود. اثر حاضر که در پنج فصل تهیه و تدوین شده، مبتنی بر پژوهشی پیرامون سوژکتیویته، تأثیرات گفتمان و پدیدارشناسی سلطه است.

فصل نخست کتاب تحولات سوژه را در علوم انسانی به‌نحو عام، و جامعه‌شناسی به‌طور خاص بررسی می‌کند. نگارنده در این فصل کوشیده است به‌مرورش ساختارگرایانی همچون دورکیم و مارکس در بنیاد نهادن جامعه‌شناسی، زمینه‌های شکل‌گیری رویکردهای تنگ‌دامن‌تر همچون پژوهش‌های وبر را تحلیل کند. در ادامه نگارنده به بیان آرا و نظریات جامعه‌شناسان دیگری همچون گیدنز و بوردیو به‌عنوان صاحبان رویکرد تلفیقی به رابطه‌ی میان کنش و ساختار پرداخته است. از سوی دیگر، مقوله‌ی گفتمان نیز به‌منزله‌ی سپهری فراگیر، تعیین‌کننده‌ی مناسبات اجتماعی محسوب می‌شود. هر یک از گفتمان‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن واحدهای مرکزی و اندیشه‌هایی پیرامونی‌اند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. بررسی تفصیلی خصوصیات گفتمان‌های ذکر شده و تأثیر آنها بر سوژکتیویته به‌عنوان محور این پژوهش، بخش پایانی این فصل را تشکیل می‌دهد.

در فصل دوم کتاب نگارنده پس از عرضه‌ی گزارشی از تحولات عصر روشنگری به تفاوت‌های میان دکارت و کانت از حیث تأثیرگذاری بر سوژه می‌پردازد. تفاوت‌هایی که منجر به شکل‌گیری سه گفتمان عمده‌ی اصالت جهان، اصالت انسان و اصالت عقل می‌شود. پس از بحث تفصیلی پیرامون هر یک از گفتمان‌ها، نگارنده کوشیده

است تا در جداولی مستقل، دو دانش جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را از حیث تعلق به گفتمان، رویکردهای رایج، هدف، موضوع، روش و نیز تأثیرات سرکوب‌کننده و رهایی‌بخش بر سوژکتیویته مورد بحث قرار دهد.

در فصل سوم نگارنده می‌کوشد با ایجاد تمایز میان دو مقوله‌ی «قدرت» و «سلطه» به درک عمیق‌تری از این پدیدار دست یابد. به باور وی یک از مهم‌ترین پرسش‌های مطروحه‌ی امروز، پرسش از گونه‌ی مدعیان قدرت به سلطه است. امری که در دنیای مدرن به صورت عام، فراگیر و پنهان اتفاق می‌افتد. با الهام از فوکو می‌توان گفت که هر رابطه اجتماعی، رابطه‌ی قدرت است ولی هر رابطه‌ی قدرت همواره ناپذیر نیست. سلطه ویژگی موقعیتی است که در آن، رابطه‌ی قدرتی نسبت به ناپذیر و شکل آن هر می‌است و کنش کم‌وبیش از آزادی محروم باشد. پس وجود یا عدم سلطه بستگی به درجه‌ی انعطاف‌پذیری رابطه‌ی قدرت دارد. اگر رابطه‌ی اجتماعی چنان ثابت و انعطاف‌ناپذیر باشد که تغییر موقعیت افراد را ناممکن کند، می‌توان از وجود سلطه سخن گفت. اما اگر رابطه‌ی اجتماعی دارای انعطاف‌پذیری لازم برای تغییر موقعیت شرکت‌کنندگان در رابطه باشد، نمی‌توان از سلطه سخن گفت. با اذعان به این قبول بودن استدلال فوکو در معرفی نظام حقیقت به‌عنوان سیستم حاکم بر فرایند سلطه، نگارنده به معرفی شق دیگری از گفتمان قدرت به نام نظام مصلحت می‌پردازد. مطابق این تقسیم‌بندی جدید، قدرت و ایدئولوژی گفتمان‌هایی‌اند که بیش از هر چیز به تولید نظام حقیقت می‌پردازند. همچنین تکلیف تولید نظام مصلحت نیز بر عهده‌ی نهادهای چهارگانه‌ی دولت (نظام سیاسی)، اقتصاد، آموزش و پرورش، و رسانه است.

در فصل چهارم کتاب، نگارنده به معرفی مکانیسم‌هایی می‌پردازد که نقطه اتصال دو سویه‌ی سلطه‌گر-سلطه‌پذیر در تمامیت‌بخشیدن به فرایندهای سلطه‌اند. مکانیسم‌هایی که می‌توانند در زدودن شگفتی تماشاچیان از مشاهده‌ی چگونگی همکاری طرفین استیلا نقش‌آفرین باشند. همچنین نگارنده در این فصل به معرفی استراتژی‌هایی می‌پردازد که طرفین را از درگیر بودن در فرایند سلطه غافل می‌کند. استراتژی‌هایی که در سه محور «آشنا» تلقی کردن امور، «اولویت» بخشیدن و «سلطه» سازی اعمال شده و از شگردهایی پرده برمی‌دارد که به تحریف و عمیق استیلا می‌انجامد.

و در این فصل کتاب به چگونگی خلق سلطه‌ی نظام‌های اجتماعی مدرن می‌پردازد. نظام‌هایی که می‌کوشند با برقراری کارآمدترین و هماهنگ‌ترین روابط میان خرده‌نظام‌های چهارگانه، استیلایی به مراتب پیچیده‌تر و مؤثرتر از عصر مدرن را بر کنشگر تحمیل نمایند. البته در این مسیر نقش زبان نیز در حکم فراینده‌ای اجتماعی بسیار پررنگ است. زبان‌شناسانی همچون گرامر با فراست به چنین نقشی اذعان و تأکید کرده‌اند.

وقتی از قدرت در زبان سخن می‌گوییم، بدانیم که زبان خود بستر و فضای تحقق روابط قدرت است. و این است که ما با قواعدی سروکار داریم که در الگوی گفتاری مندرج شده‌اند. نتیجه‌ی آنها، میان کنشگران اجتماعی با یکدیگر و نیز با نظام‌های ادراکی مدرن رابطه‌ی قدرت برقرار می‌شود. از همین رو نگارنده کوشیده است تا با ذکر محورهای عمده‌ی این گفتمان یعنی مضامین، روابط و سویه‌ها، پرتویی نو بر رابطه‌ی زبان و سیاست بتابد. رابطه‌ای که خود را در قالب نظام‌های معنایی لیبرال - دموکراسی، کمونیستی، بنیادگرایی و اسلام سیاسی در عرصه‌ی بین‌المللی بازتولید نموده است.

نویسنده در اثر حاضر با ابتنا بر رویکرد جامعه‌شناسی انتقادی می‌کوشد تا مناسبات درونی فرایند سلطه را به منزله‌ی یک پدیدار اجتماعی بررسی کند. با این فرض که شناخت و افشای چنین مناسباتی می‌تواند در خلق فرصت‌های رهایی‌بخش برای کنشگران اجتماعی مفید و مؤثر باشد. در پایان امید دارم که خوانندگان فایده‌ی این پژوهش در آن به دیده لطف نظر کنند و صاحب این اسم را از نقدهای روشنگر خود محروم نسازند.

مهران صولتی

بهار ۱۳۹۱

Solati.mehran@yahoo.com